



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۲ مهر ۱۳۹۰  
مصادف با: ۶ ذی القعدة ۱۴۳۲  
جلسه: ۸

موضوع کلی: جمع بین حکم واقعی و ظاهری  
موضوع جزئی: راه حل محقق اصفهانی برای محذور تفویت مصلحت  
سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### بررسی بخش دوم کلام محقق نائینی:

عرض کردیم کلام محقق نائینی دو بخش دارد، بخش اول کلام ایشان که اصل محذور تفویت مصلحت و القاء در مفسده را متوقف بر سه امر کرده بودند مورد بررسی قرار گرفت، اکنون بخش دوم کلام ایشان که در واقع راه حل ایشان برای دفع محذور تفویت مصلحت و القاء در مفسده است باید مورد بررسی قرار گیرد، آنچه که ایشان فرمودند تقریباً همان راه حلی است که شیخ انصاری فرموده است با این تفاوت که ایشان معتقد است نوبت به التزام به مصلحت سلوکیه نمی‌رسد، وجه اینکه می‌گوییم کلام ایشان همان مطالبی است که شیخ فرموده کاملاً روشن است، البته خود محقق نائینی در آخر می‌گوید اگر آنچه را ما گفتیم نپذیرید چاره‌ای جز التزام به مصلحت سلوکیه نیست، ایشان فرمود منظور از افتتاح باب علم فعلیت الوصول یا افتتاح فعلی نیست بلکه منظور امکان الوصول است؛ یعنی شخص تمکن از سؤال از امام(ع) داشته باشد تا یقین به حکم شرعی پیدا کند، معنای این سخن این نیست که حتماً باید از امام(ع) پرسد و وصول برای او فعلی باشد لذا می‌فرماید وقتی می‌گوییم باب علم منفتح است فکر نکنید که هیچ خطایی در آن وجود ندارد، باب علم منفتح است نه اینکه لزوماً علمی که در زمان افتتاح حاصل می‌شود علم مصادف با واقع باشد چون در همان زمان افتتاح اینطور نیست که فقط به طرق علمی و یقینی اخذ کنند بلکه هم از طرق علمی استفاده می‌کنند و هم از طرق ظنی و همان مقدار خطایی که در طرق علمی هست در طرق ظنی هم وجود دارد لذا اگر زمان افتتاح متعبد به اماره شویم هیچ مشکلی پیش نمی‌آید چون در فرض افتتاح چه از طرق علمی و چه از طرق ظنی استفاده شود فوت مصلحت پیش می‌آید، تمام هدف محقق نائینی این است که بگوید اینگونه نیست که از تعبد به امارات و ظنون یک مشکل بزرگی به نام تفویت مصلحت و القاء در مفسده پیش بیاید چون:

**اولاً:** در زمان افتتاح حتی در علم و یقین هم خطا و اشتباه وجود دارد و ممکن است علم هم مطابق با واقع نباشد در صورتی که علم انسان جهل مرکب باشد، پس همانگونه که امارات و ظنون ممکن است به واقع اصابت نکنند در علم و یقین هم امکان عدم اصابت به واقع وجود دارد و حتی امارات و طرق نسبت به علم و یقین اغلباً مطابقتاً للواقع هستند پس محذور خاصی از تعبد به امارات و ظنون پیش نمی‌آید.

**ثانیاً:** اماراتی که نزد شارع معتبرند در واقع همان اماراتی هستند که نزد عقلاء اعتبار دارند و شارع هم آن‌ها را امضاء کرده لذا اگر شارع ما را معتبد به امارات و ظنون کند تفویت مصلحت نکرده چون شارع فقط روش عقلاء را امضاء کرده است، پس شارع مسبب این تفویت مصلحت نبوده است و در فرض انفتاح هیچ محذوری پیش نمی‌آید، در فرض انسداد هم که گفتیم اصلاً محذوری وجود ندارد.

به نظر می‌رسد فرمایش ایشان محل اشکال باشد چون ایشان می‌فرماید امارات نسبت به علم و قطع اغلب مصادفةً للواقع هستند یا حداقل مساوی با قطع و علم است، ما از ایشان سؤال می‌کنیم اینکه شما می‌گویید امارات اغلب مصادفةً هستند؛ یعنی اینکه خبر ثقه بیشتر به واقع نزدیک هست تا مواردی که خود شخص یقین پیدا می‌کند، چون در موارد علم و یقین بیشتر جهل مرکب است یا حداقل از نظر مطابقت با واقع یا عدم مطابقت مساوی است، سؤال می‌کنیم که شما این ادعا را در زمان انفتاح باب علم دارید یا در زمان انسداد؟ اگر مراد شما این باشد که امارات و ظنون در زمان انفتاح اکثر مصادفةً للواقع هستند و یا حداقل مساوی با علم هستند، این سخن قطعاً باطل است، به چه دلیل می‌گویید در فرض انفتاح باب علم اصابت اخبار آحاد ثقه به واقع مساوی با مواردی است که شخص علم و قطع پیدا می‌کند چون فرض ما این است که شخص در فرض انفتاح تمکن از سؤال دارد؛ یعنی شما احتمال خطا در علم حاصل از سماع از امام(ع) را با احتمال خطا در علم حاصل از خبر واحد ثقه مساوی می‌دانید و حتی مدعی هستید اغلب مواقع احتمال خطا در امارات و ظنون مثل خبر واحد ثقه کمتر از علم و قطع است، این ادعای عجیبی است و اصلاً در فرض سماع از امام(ع) صحیح نیست لذا ادعای محقق نائینی در فرض انفتاح باب علم صحیح نیست.

اگر مراد این باشد که امارات و ظنون در حال انسداد نسبت به علم و قطع اغلب مطابفةً للواقع هستند، این هم خیلی کم اتفاق می‌افتد که علم و قطع نسبت به اماره اقل مطابفةً للواقع یا مساوی با اماره باشد لذا این راه حل محقق نائینی هم به نظر صحیح نیست.

نکته: محقق خراسانی هم، در رابطه با محذور تفویت مصلحت و الفاء در مفسده راه حلی دارند که همان راه حل دومی است که در رابطه با محاذیر سه‌گانه قبلی (اجتماع مصلحت و مفسده، اجتماع کراهت و اراده و اجتماع حب و بغض، اجتماع مثلین یا ضدین) عرض شد، ایشان در آنجا گفتند در حکم ظاهری مصلحت در خود حکم است ولی در حکم واقعی مصلحت در متعلق حکم است، ما راه حل ایشان را در اینجا ذکر نمی‌کنیم برای اینکه این راه حل ناظر به تفویت مصلحت و الفاء در مفسده نیست و ارتباطی با محذور مورد بحث ما ندارد بلکه مربوط به سه محذوری است که عرض شد.

### **راه حل محقق اصفهانی:**

ما دوباره مشکل و محذور را به طور خلاصه عرض می‌کنیم تا بعد ببینیم این مشکل را چگونه می‌توان حل کرد، اگر شارع که در لوح محفوظ تکالیفی را برای ما مقرر کرده و حکمی در لوح محفوظ به نام حکم واقعی دارد در عین حال به ما بگوید امارات ظنیه هم برای شما حجت و معتبر است؛ یعنی در عین حال که حکمی به نام حکم واقعی وجود دارد ولی شما

به مؤدی امارات و ظنون هم به عنوان حکم ظاهری می‌توانید اخذ کنید، مشکل این است که در بعضی از مواقع این حکم واقعی با حکم ظاهری جمع نمی‌شود و محذوراتی را در پی دارد که یکی از آن محذورات این است که شارع به دست خودش به ما اجازه تفویت مصلحت و القاء در مفسده را داده است، محقق اصفهانی برای حل این محذور می‌فرماید ما دو مبنا در باب حجیت امارات داریم یکی مبنای طریقت و دیگری مبنای سببیت و ایشان بر هر دو مبنا مشکل را پاسخ می‌دهد.

### **الف) بر مبنای طریقت:**

ایشان با ذکر مقدمه‌ای به این محذور پاسخ می‌دهند:

حسن و قبیح دارای انواع و اقسامی است که حسن و قبیح ذاتی و اقتضائی از جمله آن اقسام هستند، محقق اصفهانی می‌گوید گاهی از اوقات حسن و قبیح ذاتی است؛ یعنی بعضی از عناوین خودشان علت تامه حسن هستند مثل عدل که عنوان عدل، علت تامه حسن است؛ یعنی به تغییر احوال و ازمنه و امکانه تغییر نمی‌کند و عدل در هر صورتی حسن است یا عنوان ظلم که علت تامه قبیح است و همیشه قبیح است و یک مورد نمی‌توانیم پیدا کنیم که در آن صورت ظلم قبیح نباشد، یک قسم هم حسن و قبیح اقتضائی است؛ یعنی اموری هستند که اقتضاء حسن و قبیح را دارند مادامی که مانعی و عارضی در مقابلش نباشد مثل حسن صدق که اقتضائی است؛ یعنی راست گفتن علت تامه حسن نیست و فقط اقتضاء حسن را دارد به شرطی که مواجه با یک عنوان مقبوحه نشود ولی اگر در یک موردی راست گویی منجر به هلاکت یک انسان شریف و مؤمن مثل ولی خدا شود در این صورت این راست گویی با اینکه اقتضاء حسن دارد اما قبیح است چون یک عنوانی عارض شده که جهت حسن آن را محکوم کرده یا کذب که قبیح آن اقتضائی است؛ یعنی اقتضاء قبیح را دارد و علت تامه قبیح نیست که همه جا قبیح باشد اما همین کذب اگر منجر به نجات جان انسانی مثل نبی یا ولی شود حسن می‌شود، یک سری از عناوین هم هستند که نسبت به حسن و قبیح لابلش هستند؛ یعنی علت تامه نیستند و اقتضاء حسن و قبیح را هم ندارند لذا از اساس تابع آن جهاتی است که بر آن عارض می‌شود.

بعد از این مقدمه محقق اصفهانی می‌فرماید: تفویت مصلحت و القاء در مفسده قبیح ذاتی ندارد؛ یعنی مثل عدل و ظلم نیست بلکه قبیح آن اقتضائی است، تفویت مصلحت پسندیده نیست و نه شارع آن را می‌پسندد و نه عقل و عقلاء، اما همین تفویت مصلحت چون قبیح آن ذاتی نیست بلکه اقتضائی است بعضی از عناوین می‌تواند بر آن عارض شود و این قبیح را تغییر دهد؛ منظور ما که می‌گوییم تفویت مصلحت قبیح اقتضائی دارد این است که می‌تواند در یک شرائطی یک جهت حسن بر آن عارض شود که دیگر قبیح نباشد؛ یعنی تعبد به اماره که فی نفسه ممکن است منجر به تفویت مصلحت شود می‌تواند مصلحتی داشته باشد که بر مفسده ترک مصلحت واقعیه غلبه کند، پس اگر تفویت مصلحت که قبیح است یک عنوانی پیدا کند که باعث تغییر آن شود در این صورت تفویت مصلحت هیچ اشکالی ندارد و واقعاً در تعبد به امارات چنین مصلحتی وجود دارد چون اگر شارع چنین کاری نکند و ما را متعبد به امارات و ظنون نکند چطور می‌توانیم اوامر و نواهی الهی را

بشناسیم و امتثال کنیم و اصلاً امتثال ممکن نخواهد بود لذا محقق اصفهانی می‌فرماید بر مبنای طریقت هیچ محذوری در تعبد به ظنون و امارات وجود ندارد.

### **(ب) بر مبنای سببیت:**

ایشان می‌فرماید بر مبنای سببیت هم هیچ محذوری در تعبد به ظنون و امارات وجود ندارد و هیچ مصلحتی از مکلف فوت نمی‌شود، اینکه اماره سبب حدوث یک مصلحت می‌شود اگر بخواهیم ملتزم به سببیت شویم به گونه‌ای که منجر به تصویب شود باطل است و ما قبلاً اشاره کردیم که هم سببیت معتزلی و هم سببیت اشعری باطل است اما بنا بر سببیت هم می‌توانیم به نحوی به این مصلحت ملتزم شویم که منجر به تصویب نشود، ما این قسمت از پاسخ محقق اصفهانی را به طور خلاصه عرض می‌کنیم که اجمال آن این است که بنا بر سببیت تراحمی بین مصلحتین؛ یعنی مصلحت حکم واقعی و حکم ظاهری وجود ندارد چون بین مقتضای آن دو هیچ تراحمی وجود ندارد، ایشان بنا بر مبنای سببیت شقوق مختلفی را بیان می‌کند و این شقوق را یکی یکی بررسی می‌کند و می‌گوید در این فرض هم محذوری نیست.<sup>۱</sup>

**بحث جلسه آینده:** کلام محقق اصفهانی را در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

---

۱. نهاية الدراية، ج ۲، ص ۴۹-۴۵.